

دشمن‌شناسی در آیات و روایات

عبدالکریم پاکنیا تبریزی

اشاره

دشمن‌شناسی در فرهنگ اسلامی، یک اصل مسلم است که دین مبین اسلام و مسلمانان بدون آن هرگز نمی‌توانند از اعتقادات و فرهنگ و جامعه اسلامی خود محافظت کنند. بر اساس آموزه‌های اسلامی، تَوَلّی بدون تَبَرّی ممکن نیست و تبری از دشمن هم نیاز به شناخت دشمن دارد. عاشق اهل بیت علیهم‌السلام هیچ‌گاه در کنار تولی، تبری را فراموش نمی‌کند و اساساً بدون تبری از دشمنان، مودت و محبت معنایی ندارد. شهید مطهری در توضیح تولی و تبری در مکتب شیعه می‌گوید: «شیعه معتقد است که فروع دین ده تاست و نهم و دهم را تَوَلّی و تَبَرّی می‌شمارد و معنای آن این است که هرکس باید به ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام معتقد باشد؛ ولی همین مقدار کافی نیست و در همان حال بایستی یک حالت منفی نیز داشته باشد؛ یعنی آنچه را که ضد علی و راه اوست، نفی و انکار کند؛ چنانچه در توحید هم تنها ایمان به الله کافی نیست، بلکه بایستی نفی طاغوت در کنار آن قرار بگیرد»^۱.

۱. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۷۷.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّ أَوْثَقَ عُزْرِ الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ تَوَالِي وَلِي اللَّهِ وَتَعَادِي عَدُوِّ اللَّهِ؛ محکم ترین حلقه ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا و مهرورزی با دوستان خدا و بیزاری از دشمنان خداست.»

یا مسلمان باش یا کافر، دورنگی تابه کی

یا مقیم کعبه شو یا ساکن بت خانه باش

خدای متعال در آغاز سوره «ممتحنه» همه مؤمنان را از دوستی با دشمنان برحذر می دارد و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ﴾^۱؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، دشمن من و دشمن خود را دوست خویش قرار ندهید. شما به آن ها اظهار محبت می کنید، درحالی که آن ها به آنچه بر شما نازل شده است، کفر می ورزند. و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و شما را به دلیل ایمان آوردن به پروردگارتان، از شهر و دیارتان بیرون می کنند.»

لازم است بدانیم دشمن گاهی درونی پنهان و گاهی بیرونی یا آشکار است؛ همچنین گاه دشمنی خود را ابراز یا پنهان می دارد؛ دشمنی ممکن است کوچک و کم اهمیت باشد یا بزرگ و خطرناک، دشمن یا چهره دوست به خود می گیرد یا به صراحت به میدان می آید. از سوی دیگر ابعاد دشمنی ممکن است در عرصه سیاسی، اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی، اخلاقی یا نظامی نمایان شود و هجوم دشمن هم گاهی حمله های سخت و گاهی نرم و از راه فرهنگ و اندیشه است. پس شناخت میدان های نبرد و زمینه های هجوم و ضربه زدن به دشمن هم متفاوت است و نیاز به شناخت عمیق نقشه ها و اهداف دشمن دارد؛ بنابراین شناخت دشمن و ویژگی ها و شاخص آن ضرورت دارد.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۷.

۲. ممتحنه، ۱.

انواع دشمن در قرآن کریم

خدای متعال و رهبران الهی برای هوشیاری بندگان خدا، چهره‌های مختلف دشمن را برای ما شناسانده‌اند که در ادامه به برخی اشاره می‌کنیم.

۱. شیطان

مهم‌ترین دشمن انسان مؤمن که در تمام عرصه‌های دشمنی حضور دارد، شیطان است؛ خدای متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾؛^۱ «به یقین شیطان دشمن شماست، او را دشمن خود بدانید».

ویژگی‌های شیطان در برابر دیگر دشمنان عبارت‌اند از:

الف) شیطان هجوم همه‌جانبه دارد و از هر طرف انسان را احاطه می‌کند؛ چنان‌که خودش می‌گوید: ﴿ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ﴾؛^۲ «من از هر سو به سراغ فرزندان آدم می‌روم؛ از پیش رو، از پشت سر، از سمت راست و از سمت چپ».

ب) او ما را می‌بیند و ما او را نمی‌بینیم؛ او در کمینگاهی است که انسان را می‌بیند و انسان او را نمی‌بیند: ﴿إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ﴾؛^۳ «شیطان و

دارودسته‌اش شما را می‌بینند، از آنجاکه شما آن‌ها را نمی‌بینید». البته این ویژگی شیطان، مانع از قدرت انسان بر دفاع از خویشتن در برابر وسوسه‌های او نیست و

آزادی او را سلب نمی‌کند.

ج) دشمنی او از نخستین روز آفرینش آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ شروع شد؛ هنگامی که بر اثر تسلیم‌نشدن در برابر فرمان خدا دربارهٔ «سجده بر آدم» مطرود درگاه پروردگار گردید و تا امروز دشمنی او ادامه دارد؛ اما هرگز تسلطی بر انسان ندارد و فقط وسوسه می‌کند.

۱. فاطر، ۶.

۲. اعراف، ۱۷.

۳. همان، ۲۷.

د) شیطان فرصت طلب است و در هر فرصتی دشمنی خود را نشان می دهد. او در پیشگاه خداوند این گونه سوگند یاد کرد: ﴿فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾^۱ «به عزتت سوگند، همه آن ها را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص تو از میان آن ها.» شیطان بر سر گفته خود ایستاده است و کوچک ترین فرصت را برای اعمال دشمنی و وارد کردن ضربه بر انسان غنیمت می شمرد؛ آیا عقل انسان به او اجازه می دهد از چنین دشمن آماده ای غفلت کند یا او را در جایگاه رفیق شفیق و دوست ناصح پذیرد؛ همان گونه که خداوند متعال می فرماید: ﴿أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ﴾^۲ «آیا او و دارودسته اش را به جای من اولیای خود انتخاب می کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟!»

۲. کافران، یهود و مشرکان

کافران، یهود و مشرکان از دیگر مصادیق دشمن در آیات قرآن هستند که باید شناخته شوند و جامعه مسلمان باید از نقشه های آنان هوشیاری لازم را داشته باشد. گفتنی است دشمنی این گروه با مسلمانان، ریشه دار و پرسابقه و همیشگی است. خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾^۳ «همانا کافران، دشمنان آشکار شما هستند.» دشمنی یهود با مسلمانان نیز تاریخی و ریشه دار است و هرگز نباید از آنان غافل بود. خداوند می فرماید: ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾^۴ «به یقین سرسخت ترین مردم را در دشمنی به اهل ایمان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت.»

۱. ص، ۸۲.

۲. کهف، ۵۰.

۳. نساء، ۱۰۱.

۴. مائده، ۸۲.

۳. منافقان و شاخص‌های آنان

این گروه بدترین نوع دشمنان مسلمانان و مؤمنان هستند که از داخل دشمنی و نفوذ می‌کنند و از پشت خنجر می‌زنند؛ به همین دلیل خدای متعال منافقان را در بدترین جای جهنم می‌نشاند و دربارهٔ آنان می‌فرماید: «به‌یقین منافقان در پست‌ترین جایگاه دوزخ قرار دارند و هرگز یآوری برای آن‌ها نخواهی یافت»^۱.

مسلمانان همواره در تاریخ آسیب‌های بسیاری از دورویی اهل نفاق متحمل شده‌اند. از دیدگاه فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام دشمنان درونی و دارای امراض روحی، شاخصه‌هایی دارند که می‌توان از طریق همین نشانه‌ها منافقان را شناخت؛ آنان ترسو، دروغ‌گو،^۲ بی‌ایمان، لجوج، بهانه‌جو، حرمت‌شکن، فرصت‌طلب، حریم‌شکن و بخیل و سست در عبادت و ... هستند.^۳ امروزه باید اینان را شناخت؛ چراکه نفوذی‌ها، جاسوسان و منافقان معاصر در میان مسلمانان حضور دارند و به نقشه‌های پلید خود می‌اندیشند.

۴. بعضی از همسران و فرزندان

قرآن برخی از همسران و فرزندان را که مانع انجام وظیفه شرعی می‌شوند یا با دشمنان هم‌سوئی و همراهی دارند، دشمن خطاب می‌کند و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾^۴؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از همسران و فرزندان شما دشمن شمایند؛ پس از آنان بر حذر باشید.»

داستان عاقبت به‌خیر نشدن زبیر بن عوام و جنگ او با امام زمان خود امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به دلیل علاقه و تبعیت از فرزند ناصالحش عبدالله بن زبیر بود.

۱. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا﴾ (نساء، ۱۴۵).

۲. إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ.

۳. احزاب، ۱۹.

۴. تغابن، ۱۴.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «مَا زَالَ الزُّبَيْرُ رَجُلًا مَتًّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَتَّى نَشَأَ ابْنُهُ الْمَشْهُومُ عَبْدُ اللَّهِ؛^۱ زبیر همواره عضوی از ما بود تا آنکه فرزند نامبارکش عبدالله بزرگ شد.» زبیر تا قبل جنگ جمل سابقه درخشانی داشت؛ به گونه‌ای که در هیچ‌یک از جنگ‌های پیامبر از جبهه غایب نبوده است.^۲ زبیر از مدافعان حضرت علی علیه السلام در سقیفه و نیز شاهد وصیت و دفن و نماز حضرت زهرا علیها السلام بود؛ حتی در شورای شش نفره به امیر مؤمنان رأی داد.^۳ علی علیه السلام هم در جمله مهمی درباره خدمات زبیر و شمشیر او فرمود: «إِنَّ هَذَا السَّيْفَ طَالَمَا فَرَّجَ الْكُرْبَ عَنْ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ؛^۴ این شمشیری است که بارها اندوه را از صورت پیامبر صلی الله علیه و آله برطرف کرد.»

زبیر در دوران خلفای ثلاثه دارایی زیادی جمع‌آوری کرد. گفته‌اند وی پس از خود یازده خانه در مدینه، دو خانه در بصره، یک خانه در کوفه و یک خانه در مصر به ارث گذاشت؛ همچنین دارایی وی را پس از مرگش، هزار دینار، هزار اسب و تعدادی کنیز و غلام ذکر کرده‌اند.^۵ او علی علیه السلام را چنان ناراحت نمود که آن گرامی این‌گونه نفرینش کرد: «اللَّهُمَّ أَقْعَصِ الزُّبَيْرَ بِشَرِّ قِتْلَةٍ وَ اسْفِكْ دَمَهُ عَلَى ضَلَالَةٍ؛^۶ خدایا زبیر را به بدترین کشته شدن‌ها گرفتار کن. خونس ریخته شود، درحالی‌که در گمراهی است.» چون حضرت، حجت را بر او تمام کرده بود.

برای همین بر ما لازم است همواره دست به دعا برداریم و مرتب خود و اعضای خانواده را دعا کنیم که ان شاء الله عاقبت به خیر و نور چشم ما باشند. پیوسته باید این دعای قرآنی را خواند و از خداوند درخواست نمود: ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۳.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، ج ۹، ص ۴۲۰.

۳. محمد بن علی شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۴۴؛ محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۲.

۴. اسماعیل ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج ۸، ص ۳۳۵.

۵. ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۵۷؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۳۳.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۵.



وَذُرِّيَاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ «پروردگارا، از همسران و فرزندان ما، مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده.»

گفتنی است شخص باید بین خانواده و اعتقاداتش پیوند متعادلی برقرار کند که نه وظیفه شرعی به حقوق خانواده لطمه بزند و نه رسیدگی به خانواده او را از وظایف شرعی بازدارد.

۵. نفس اماره

از دیگر مصادیق دشمن، نفس اماره انسان است که اگر مهارش نکند، هستی او را بر باد می‌دهد. انسان اساساً همواره باید مراقب قلب پاک خود باشد که این دشمن نفوذ نکند. امام صادق ع فرمود: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكُنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»؛ دل حرم خداست؛ پس جز خدا را در حرم خدا مَنِشان.» به قول حافظ:

پاسبانِ حرمِ دل شده‌ام شب همه شب

تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

پیامبر خدا ص می‌فرماید: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»؛ دشمن‌ترین دشمن تو، همان نفسی است که در درون توست.»

اساساً در فرهنگ اسلامی جهاد اکبر برای دشمنی است که درون وجود شخص است و پیکار با او سخت‌ترین جهاد است. افراد زیادی در نبردهای بزرگ پیروز شده‌اند؛ اما در پیکار با نفس اماره شکست خورده و سرنوشت شومی برای خود رقم زده‌اند.

تو با دشمن نفس هم‌خانه‌ای چه در بند پیکار بیگانه‌ای

۱. فرقان، ۷۴.

۲. تاج‌الدین شعیری، جامع الأخبار، ص ۵۱۸.

۳. فخرالدین رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۸، ص ۷۰.

خدای متعال دشمنی نفس اماره و نتیجه خانمان سوز تسلیم و پیروی از نفس شیطانی را با داستان و مثالی بیان می کند و می فرماید: ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَا بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْضُصِ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ «و اگر می خواستیم مقام او [بلعم باعورا] را با این آیات و علوم و دانش ها بالا می بردیم؛ اما اجبار برخلاف سنت ماست، او را به حال خود رها کردیم] او به پستی گرایید و از هوای نفس پیروی کرد. مثل او همچون سگ [هار] است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز و زبانش را بیرون می آورد و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می کند [گویی چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی شود]. این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. این داستان ها را [برای آن ها] بازگو کن؛ شاید بیندیشند و بیدار شوند.»

وقتی بلعم باعورا مغلوب نفس اماره شد و فهمید دنیا و آخرتش را بر باد داده است، نقشه خطرناکی کشید و به حاکمان ظالم گفت: اکنون که دنیا و آخرت من از من گرفته شد، جز حيله و نیرنگ باقی نمانده است. آن گاه دستور داد: «زنان را آراسته و آرایش کنید و کالاهای مختلف به دست آن ها بدهید تا به میان بنی اسرائیل برای خرید و فروش بروند. و به زنان سفارش کنید که اگر افراد لشکر موسی عَلَيْهِ السَّلَام خواستند از آن ها کام جویی کنند و عمل منافی عفت انجام دهند، خود را در اختیار آن ها بگذارند. اگر یک نفر از لشکر موسی عَلَيْهِ السَّلَام زنا کند، ما بر آن ها پیروز خواهیم شد.»^۲

۱. اعراف، ۱۷۶.

۲. وقال: «إن زني منهم رجل واحد كفيتموهم، ففعلوا ذلك...» (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۷۳).

در قرآن و روایات نشانه‌ها و شاخص‌هایی وجود دارد که می‌توان از روی آن‌ها روش‌های دشمن را شناخت.

۱. ایجاد تردید، نگرانی و ترس

کسانی که میان مؤمنان تردید و ناامیدی تزریق می‌کنند، در صف دشمنان قرار دارند و آنان راه شیطانی می‌پیمایند. تردید در مؤمنان عمدتاً با وسوسه شروع می‌شود. وسوسه می‌تواند مؤمنان را به باورهای خود سست کند و راه را برای تردید و حیرت فراهم نماید. خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ... مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾؛ «بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم... از شر وسواس خناس که در سینه‌های انسان‌ها وسوسه می‌کند.»

رهبر شهید انقلاب علیه السلام می‌فرماید: «کار دشمن دلهره افکندن است. کار دشمن این است که دلهره بیندازد، بترساند، ناامید کند؛ این کار دشمن است، کار شیطان است؛ مال امروز هم نیست، همیشه بوده؛ در طول تاریخ و در طول تاریخ اسلام: ﴿إِنَّمَا ذُكِّمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ﴾؛ [آیه] قرآن است - این شیطان است که دوستان و پیروان

خودش را می‌ترساند؛ ﴿فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.^۱ [خدا می‌فرماید] شما که مؤمن هستید، از اولیای شیطان، از پیروان شیطان، از قدرت‌هایی که قدرت‌های شیطانی هستند نترسید؛ از من بترسید، از انحراف از صراط مستقیم بترسید. اگر کسی از صراط مستقیم منحرف شد، این ترس دارد؛ چون وقتی شما از جاده مستقیم و صحیح و خوب و درست منحرف شدید، می‌افتید در بیابان؛ از این بترسید، اما از دشمن اصلاً نترسید».^۲

۱. ناس، ۱-۵.

۲. آل عمران، ۱۷۵.

3. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4906>.

۲. اختلاف بین مؤمنان

کسانی که در جامعه اسلامی بر طبل اختلاف می‌کوبند، در ردیف بازوان دشمنان مسلمانان قرار دارند. علی علیه السلام فرمود: «هرکس در تفرقه و دودستگی مسلمانان می‌کوشد، در صف دشمنان قرار دارد». همچنین فرمود: «وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ الْأَمَّنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشِّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ؛ از تفرقه و جدایی پرهیزید [جدایی از توده‌های عظیم و مؤمن]؛ زیرا افراد تنها و جدا نصیب شیطان اند، همان‌گونه که گوسفند تک‌رو طعمه گرگ است. آگاه باشید هرکس به این شعار [شعار تفرقه‌انگیز خوارج لا حکم الا لله] مردم را دعوت کند، او را به قتل برسانید، هرچند زیر عمامه من باشد [و به من پناهنده شود]». این هم از روش‌های شیطانی دشمنان در قرآن است.^۲

۳. جنگ روانی

از دیگر شاخص‌های شناخت دشمن و روش‌های وی، دامن زدن به جنگ روانی از سوی رسانه‌های حقیقی و مجازی در جامعه است که به دو طریق انجام می‌گیرد: شایعه و مخفی کردن اخبار مثبت.

الف) شایعه

۵۲

امروزه شایعه قوی‌ترین حربه دشمن و مهم‌ترین ابزار جنگ روانی وی در میدان مقابله با نظام اسلامی است. اگر در این باره غفلت شود و وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها و فضای مجازی در برابر شایعات کنترل نشود، ممکن است خسارت‌های جبران‌ناپذیری به اعتقاد و اعتماد مردم وارد آید. شایعه، ارجاف، اذاعه، خیر فاسق، خیر نامطمئن و غیرعلمی از اصطلاحاتی هستند که در قرآن کریم به شایعه و شایعه‌پراکنی اطلاق می‌شود.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۲. مائده، ۹۱.



خداوند در سوره «نساء» برای بیان شایعه از واژه «اذاعه» بهره می‌گیرد و می‌فرماید: «هنگامی که خبری [و شایعه‌ای] از ایمنی یا ترس [پیروزی یا شکست] به آنان [منافقان] برسد، آن را فاش و پخش می‌کنند، درحالی‌که اگر آن را [پیش از نشر] به پیامبر و اولیای امور خود ارجاع دهند، به یقین آنان که اهل درک و فهم و استنباط‌اند، حقیقت آن را درمی‌یابند. و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، به جز اندکی، پیروی از شیطان می‌کردید»^۱.

ب) مخفی کردن اخبار مثبت

از دیگر روش‌های دشمنان برای مقابله با مسلمانان، پوشاندن و مخفی کردن اخبار مثبت و پیشرفت مسلمانان و تمام خیر و برکاتی است که در جامعه اسلامی رخ می‌دهد. این شیوه یکی از شدیدترین حربه‌های جنگ رسانه‌ای و روانی دشمن در عرصه‌های مختلف است. خداوند می‌فرماید: ﴿مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾^۲؛ «کافران اهل کتاب و همچنین مشرکان، دوست نمی‌دارند خیر و برکتی از ناحیه خداوند بر شما نازل گردد.»

این شیوه جنگ رسانه‌ای در زمان ما مرتب اتفاق می‌افتد و رسانه‌های داخلی و خارجی دشمن از روی کینه‌ای که دارند، تمام پیشرفت‌های مسلمانان را مخفی می‌کنند؛ همچنین اخبار منفی و نقاط ضعف ما را برجسته جلوه می‌دهند و به خیال خود با این روش می‌خواهند مسلمانان و نظام اسلامی را شکست دهند. آنان چنان کینه دارند که کوچک‌ترین خیرات و برکات و دستاوردها را برعکس می‌کنند و به شکل نقطه ضعف نشان می‌دهند.

۱. برای مطالعه درباره شایعه، ر.ک به: «شایعه مهم‌ترین ابزار جنگ روانی دشمن»، ره توشه محرم ۱۴۴۱، شهریور ۱۳۹۸.

۲. بقره، ۱۰۵.

قرآن آرزوی دشمنان را این‌گونه بیان می‌فرماید: ﴿وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَهِهِمْ﴾؛ «آرزو دارند که در رنج بیفتید؛ دشمنی از لحن و سخنانشان آشکار است.»

دشمنان می‌کوشند با رسانه‌های در اختیار خود اخبار خوب مسلمانان را پنهان کنند یا ناچیز جلوه دهند و در مقابل، اخبار منفی و نقطه ضعف‌ها را برجسته و درشت نشان دهند.

هدف اصلی دشمن

مهم‌ترین هدف دشمنان اسلام، خاموشی نور خدا در تمام نقاط عالم است. دشمن از هر روشی بهره می‌گیرد تا بساط اسلام و مسلمانان را برچیند و به راحتی بتواند بر ملت‌های مستضعف تسلط یابد و با غارت دارایی‌های آنان خود را آقای جهان معرفی کند؛ ولی غافل از اینکه اراده خدای متعال بالای همه اراده‌هاست؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾.^۲

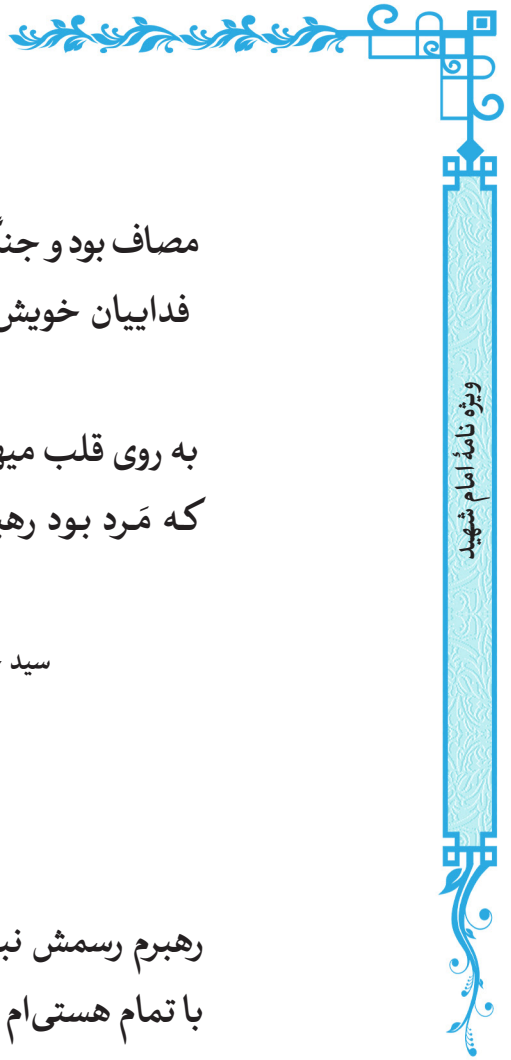
مدعی خواست که از بیخ کند ریشه ما

غافل از آنکه خدا هست در اندیشه ما

۱. آل عمران، ۱۱۸.

۲. صف، ۸.

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۲. امینی، عبدالحسین، الغدیر، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۷۹ق.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۴ق.
۶. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۳ق.
۷. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم: نشر ائمه، ۱۳۷۹ش.
۸. شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ق.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۳ق.
۱۰. فتال نیشابوری، محمد، روضة الواعظین، قم: نشر رضی، ۱۳۸۵ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
۱۳. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۱۴. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران: صدرا، ۱۴۰۰ش.



مصاف بود و جنگ بود، امام ما حذر نکرد
فداییان خویش را برای خود سپر نکرد

به روی قلب میهنم به افتخار حک کنید
که مرد بود رهبرم، فرار از خطر نکرد

سید حمیدرضا برقی

رهبرم رسمش نبود! باید فدایت می شدم
با تمام هستی ام من خاک پایت می شدم

این چنین خاکم به سر غرق عزایت گشته ام
کاش تا بودی گل زهرا فدایت می شدم

زهرا غلامی